

در حاشیه حضور فعال تحلیلگران بین المللی اینجا و اونجا و همه جا!



گاز باید گازش را
بگیرد و برود!

ای بی استوری تلگرام بمونی!

مدارس
هوشمندتر

عضویت پوشک در باشگاه میلیونی ها!

- سلام لاستیکی!
- سلام پوشک!
- می گم لاستیکی! تو لاستیکی!؟
- نَ پ! فضاییما استارشیپ ایلان ماسکم!
- منظورم اینه لاستیک هستی که بهت می گن لاستیکی!؟
- تایی!؟ چرخ!؟
- نه پوشک شل مغز! من نسل قدیم و جدید خودتو هستم!
- می شه بیشتر توضیح بدی لاستیکی!؟ این رطوبت دائمی که دارم، باعث شده سلولای مغزم کپک بزنه!
- بین پوشک! قبل از اینکه مامان باباها خسته و راحت طلب بشن و تو رو اختراع کنن، برای محافظت از ترخوردگی به فرش و خونه زندگی بر اثر قضاى حاجت طفل خردسال، نوزاد را در من که لایه ای پلاستیکی، نایلونی، مشمایی و امثالهم هستم، به همراه رفیقم کهنه که قطعه ای پارچه ای از جنس لباس های کهنه یا دم کنی برنج است، می پیچیدند و بسته بندی می کردند تا قسمت میانی بدن کودک کاملا و اترپروف شود. پس از اتمام عملیات تخلیه معده طفل، من و کهنه رو باز می کردن، می شستن، روی بند پهن می کردن و بعد از خشک شدن دوباره، سه باره، صد باره از ما استفاده می کردن و حتی به نسل های بعد هم منتقل می شدیم!
- خب لاستیکی! تا اینجا شو رو فهمیدم که تو نسل قدیم ما پوشکا هستی، ولی این رو نگرفتم که چرا نسل بعدی ما هم خواهی بود!
- پوشک جان! قریون اون الیاف لطیف! خب وقتی به بهانه حذف ارز ترجیحی، قیمت تو توی بازار یک شبه دو برابر می شه و به باشگاه میلیونی ها می پیوندی، توقع نداری که مامان باباها بتونن از پس اجابت مزاج میلیونی فرزند دلبندشون بر بیان!؟ در نتیجه، مردم فلاش بک می زنن به عقب و به جای پوشک یک بار مصرف گرون، از کهنه و لاستیکی چند بار مصرف ارزون استفاده می کنن!
- آها! حالا منظورت رو فهمیدم لاستیکی نسل قدیم و جدید! پس درود بر تو ای جد بزرگوار و سلام بر تو ای نوه عزیز!

صفحه ۲
۲۵ بهمن ۱۴۰۴
شماره ۱۶۴

مشه ای جور بهر!

خسرو آبادیان

گاز باید گازش را بگیرد و برود!



تابستان ۱۴۰۴: به دلیل اینکه روی نیروگاه ها فشار نیاید، حتی لامپ تیرهای چراغ برق هم قطع شده است و بسیاری از معابر شهری در شب روشنایی ندارند. (جراید)

زمستان ۱۴۰۴: رئیس جمهور گفت: می توانیم گاز را کاملا از خانه ها قطع و برق را جایگزین آن کنیم. (جراید)

بهار ۱۴۰۵: با توجه به اینکه قرار است برق جایگزین گاز شود، تولید آن افزایش یافته است، اما متأسفانه در زمان ارائه گزارش افزایش شایان توجه تولید برق توسط وزیر نیرو، برق نصف کشور قطع شد. بسیاری از شهروندان که در حال تماشای این گزارش تلویزیونی بودند، با صفحه سیاه تلویزیون روبه رو شدند. گویا تلویزیون ها، حتی تلویزیون های هوشمند هم به رغم هوش سرشارشان، از این پیشرفت شگفت انگیز برقی آگاه نبودند.

تابستان ۱۴۰۵: وزیر نیرو در حالی که روی تردمیل نشسته بود و برق میکروفونش را با رکاب زدن تأمین می کرد، گفت: امروز هم می خواستم پیشرفت های خودمان در تولید برق را در چند فایل پاورپوینت نشان دهم، ولی متأسفانه از چند روز پیش برق خانه قطع است و نتوانستم فایلش را بسازم. وی در ادامه و در حالی که به دلیل رکاب زدن به شدت نفس نفس می زد، گفت: ولی خلاصه همه این گزارش ها یک چیز است: ما خیلی برق داریم تولید می کنیم، خیلی!

زمستان ۱۴۰۵: وزیر نیرو گفت: شما اگر جوراب پائتان کنید و پائتان را ده بیست بار روی فرش بکشید، اصطکاک جوراب و فرش باعث می شود پائتان بار الکتریکی بگیرد. می توانید از این الکتریسیته به وجود آمده به عنوان برق خانگی استفاده کنید و ما نیز همکاری کرده و به رغم میل باطنی مان، بابت آن برق تولیدی خودتان قبض صادر نمی کنیم. وی در جواب خبرنگاری که گفت: آخه چطوری؟ گفت: من که عالی ام، شما چطوری؟

بهار ۱۴۰۶: رئیس جمهور گفت: یادتان است گفته بودم می توانیم گاز خانه ها را حذف کنیم؟ خوشبختانه خودتان می بینید که الان توانستیم هم گاز خانه ها را حذف کنیم، هم برق خانه ها را!

کن تو کن

منصوره احمدی

حضور رئیس جمهور و معاون اجرایی، جعفر قائم پناه، در راهپیمایی ۲۲ بهمن با متری



جعفر ول می کنی یا بدم پیاده ت کن؟

بیا، هی می کن شلوغه شلوغه، تازه جا برای نشستن هم داشت. آقا اون سنگ پاها چند؟ چه لیفای خوش رنگه!

افتتاح و بهره برداری از طرح های وزارت نیرو و نفت



دور خودتون و اون صندلی تون بگردم، اینی که گفتین گاز رو کامل از گرمایش و پخت و پز خونه ها حذف کنیم، باید بدم یا طلا بنویسن. ولی اینکه برق رو جایگزین کنیم که بدتره رئیس، من برق دارم بدم اینا شیش ساعت قرمه سبزی بار بذارن تا جا بیفته؟

با نقره ای، پلاتینی، چیزی بنویسن. طلا شد گرمی ۲۰ تومن!

تبریک نمایندگان کشورها به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی



اختیار دارین. شما که دیگه مهمون نیستین، ماشالا یه پا صاحب خونه این!

به به، عمان جان! چطورین با مهمونای ما؟ ببخشین دیگه این برویجه های ما یک سره سمت شما پلاسین.

سفر وزیر جهاد کشاورزی به زنجان



ناقابله قربان!؟ اینا ارگانیکه، کیلویی ۳۵۰. البته چون شمایی، اقساطی هم می دیم.

گوجه ارزنه، گل کلم گرونه، تا گل کلم یه ریزه می آد پایین. گوجه می کشه بالا چند ساله می خوابیم ترشی مشهدی پندازیم، نمی شه. همین گوجه ها چند؟



ویزیت رایگان با صندلی اضافه!

هم عالی. فقط سؤالی که پیش می‌آید، این است که اگر شماتر فندی بلدید که بایه کارگرفتنش قیمت مواد غذایی در طول یک ماه زیاد نمی‌شود، پس چرا همین ترفند را در یازده ماه دیگر سال به کار نمی‌برید؟ البته فکر نکنید به خاطر خود مان می‌گوییم. خیر! به خاطر خودتان می‌گوییم که نمایندگان به شما گیر ندهند و استیضاحان نکنند!

سبیل کلفت ترین نوزاد هفته: یکی از نمایندگان مجلس گفت: «خودروسازی ما مثل بچه لوسی است که ۴۵ سال است او را بغل کرده‌ایم.» بچه لوسی ما پستانک رانت می‌مکد و هر وقت هم بخواهیم از بغلمان پایین بگذاریم، جیغ بنفش می‌کشد. این کودک به جای شیر خون مردم را مکیده و کمر همه را رگ به رگ کرده است! کسی هم جرئت نمی‌کند پوشکش را عوض کند.

آزمایش باشیم؛ به خصوص که تجربه هم ثابت کرده است؛ در نظام سلامت ما تنها چیز واقعا رایگان، همان صندلی انتظار دکتر است که می‌توانیم از ساعت ۴ که نوبت داریم، تا ساعت ۹ که دکتر می‌آید، مفت و مجانی روی آن بنشینیم.

سوء تفاهم برانگیزترین کلمه هفته: وزیر نیرو گفت: در نیروگاه سازی جزو کشورهای درجه یک جهان هستیم. احتمالا ایشان حس می‌کنند نیروگاه برق یعنی جایی که نیرو، گاه در آن وجود دارد و گاه وجود ندارد؛ به خصوص که در برخی ایام سال، گاه نیروی برق وجود دارد، گاه وجود ندارد!

کاربلدترین وزیر هفته: وزیر کشاورزی وعده داد: قیمت مواد غذایی در طول ماه رمضان تغییر نخواهد کرد. خیلی

خوش ترین خبر بد هفته: عضو کمیسیون بهداشت مجلس گفت: قیمت ۱۴۰۰ قلم دارو در هفته اخیر افزایش یافت. البته بزرگی عدد ۱۴۰۰ شما را نگران نکند. چون هر وقت مریض شویم، حتی اگر خدای ناکرده دچار سخت ترین بیماری هم بشویم که همه این ۱۴۰۰ قلم دارو را مصرف نمی‌کنیم. نهایتا ۱۰ تا از این ۱۴۰۰ دارو را گران تر می‌خریم و گران تر شدن آن ۱۳۹۰ داروی دیگر خوشبختانه روی جیب ما اثر نخواهد داشت.

رایگان ترین ویزیت هفته: روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی اعلام کرد که بررسی جواب آزمایش مشمول ویزیت دوباره نیست. این یعنی سرانجام معلوم شد نگاه کردن به برگه آزمایش، نیازمند پرداخت هزینه معادل جراحی قلب باز نیست! هر چند بعید نیست از فردا شاهد اختراع تعرفه خلاقانه حق بازکردن پاکت



در حاشیه انتقاد رئیس جمهور از شبکه خبر



صفحه ۲

۲۵ بهمن ۱۴۰۴

شماره ۱۶۴



استاندارهای اجباری خودرو به ۱۲۲۹ مورد افزایش یافت (ایرنا)

آنکه این دستور را جاری کند
همریش بایست یک کاری کند
یا که استاندارد سازد قیمتش
یا که نرخش را هم اجباری کند

ایران خودرو از دلار سبقت گرفت (فارس)

خودش کند، ولی نرخش شدیده
چنین اعجوبه‌ای آخر که دیده؟
اگر چه عاجزه از راه رفتن
دلارو دیده از رویش پریده!

رانه درشت هادبعی خود را صاف نمی‌کنند (شهرآرا)

بیخودی می‌خوری چرا هی غم؟
می‌دهد قرض خود، ولی کم کم
دانه‌های درشت، از صافی
رد نخواهد شد ای عزیز دلم

توس در محاصره سوراگران و کلنگ بازان (هفت صبح)

به همراه فرغون و بیل و کلنگ
نیا توس، دلال رند و مشتنگ!
وگرنه به رستم بگویم تو را
بکوبد زمین، له کند، بی درنگ!



افشای چرایی و چگونگی تخصیص بودجه دانشگاه‌ها

مرکز پژوهش‌های مجلس، یکی از دانشگاه‌های کشور به ازای هر سه دانشجوی یک کارمند دارد!

نه، مال منه.

این دانشجو سهم منه! من باید کارش رو انجام بدم.

بچه‌ها، دعوا نکنین. چند قسمت مساوی تقسیمش می‌کنیم که به همه برسه!

صرف امور جاری مثل حقوق و تعذیه و خوابگاه می‌شود و بقیه برای پژوهش باقی می‌ماند. به بهانه این خبر، سری به دفتر خاطرات یک مدیر دانشگاه زدیم تا بفهمیم این همه کارمند از کجا آمده‌اند و به چه کاری می‌آیند.

کشور به ازای هر سه دانشجوی یک کارمند وجود دارد. البته اگر به نیمه پر لیوان نگاه کنیم، این کار به معنی احترام به دانشجویان است که این قدر خدمتگذار برایشان استخدام کرده‌اند! از طرف دیگر، ۸۰ درصد بودجه دانشگاه

مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرده تعداد کارمندان دانشگاه‌های کشور از تعداد هیئت علمی و استادان بیشتر شده است؛ تا جایی که کارمندان حدود ۴۵ هزار نفر هستند و استادان حدود ۲۶ هزار نفر. مثلاً در یکی از دانشگاه‌های

شایسته‌سالاری

دیشب محمود آقا، با جناق، شام منزل ما بود. متوجه شدیم شایسته‌جان، دختر خواهر عیال، در سرش تمام شده و مدرک تایپ ده انگشتی هم گرفته است. دختر خیلی خوبی است. از بچگی به من می‌گفت عمو، قرار شد شنبه بیاید دفترم تا از ظرفیت‌هایش برای پیشرفت دانشگاه استفاده کنم. برایش دو جادر نظر دارم؛ یکی مدیریت امور اساتید که به استخدام هیئت علمی کمک می‌کند و یکی هم معاونت تجمیعی که مسئول جمع کردن بقیه معاونت‌هاست. باید ببینم خودش کدام یکی را بیشتر دوست دارد. شاید هم یک معاونت تکمیلی ساختم که کار بقیه معاونت‌ها را کامل می‌کند و این دختر را رئیس آن گذاشتم.

مدیریت بهینه بودجه

بودجه امسال رسید. خیلی چرب نیست، ولی از هیچی بهتر است. شنیده بودم بودجه دانشگاه همسایه حتی کفاف خرج دمپایی کارکنانش را هم نمی‌دهد. باید خیلی مدیریت شده و با حساب و کتاب خرجش کنیم. برای همین دستور یک جلسه فوری هیئت مدیره را دادم. جلسه برگزار شد و پس از بحث و جدل و بررسی‌های کارشناسانه تصمیم بر این شد که ۸۰ درصد بودجه را برای امور جاری بگذاریم و بقیه را برای امور پژوهشی و علمی. به عنوان خسته‌نباشی جلسه هم از بودجه تازه شام پیتزا سفارش دادیم و حق جلسه همکاران را نقدی پرداخت کردیم.

سفر علمی هیئت مدیره

هیئت مدیره دانشگاه درخواست سفر علمی داده‌اند. دودل بودم که به هیئت مدیره مجوز سفر بدهم یا با درخواست هیئت علمی که چند ماه است تقاضای خرید وسایل آزمایشگاه داده‌اند عمل کنم. با دکتر، معاون آموزشی دانشگاه، مشورت کردم. حرف خوبی زد. گفت الان شب عید است و قیمت‌ها بالاست. وسایل آزمایشگاهی را بعد از سال نو بخریم. از طرفی، سفر علمی هیئت مدیره هم در راستای ارتقای دانشگاه است. اعضای هیئت مدیره خیلی اصرار داشتند که من هم بروم. برخلاف میل قبول کردم. دکتر بلیت ترکیه را گرفت. گویا به مناسبت نوروز نمایشگاه مد و پوشاک و خوراکی برگزار می‌شود. برای اینکه بار علمی سفر بیشتر شود، قرار شد همراه با خانواده برویم.

هر دانشجو ۲ معاونت

معاونت تدریسی دانشگاه نامه زده که چرا بودجه ماکتر از بودجه معاونت ترکیبی است. یکی از کارهای خوبی که در زمان مدیریت در این دانشگاه انجام داده‌ام، تأسیس همین ۲۷ معاونت است. مسئولیت معاونت تدریسی این است که دانشجویان به تدریج وارد دانشگاه و کلاس‌ها شوند و عجله نکنند. معاونت ترکیبی هم مراقب است هنگام ورود و خروج و عبور در راهروها و کلاس‌ها، دانشجویان با هم ترکیب نشوند. در جواب نامه گفتم تعداد کارمندان معاونت شما ۸۴ نفر است و کارمندان معاونت ترکیبی ۱۱۷ نفر و برای همین بودجه به تناسب تقسیم شده است. منتظر نامه اعتراضی معاونت‌های تبحری، تصعیدی، تقلیلی و تکثیری هم هستم.

صفحه ۴
۲۵ بهمن ۱۴۰۴
شماره ۱۶۴

باهوش باشید

برای پیدا کردن مقصراً لازم از آدم‌های اطرافتان مایه بگسوء تفاهم موجودی نامرئی که دقیقاً در لحظه‌های ظاهر می‌شود و پس از رفع ناپدید می‌گردد.

هواشناسی را بررسی کنید

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا کارها را به ضرر شما بگردانند. پس لطفاً پیش از هر اقدامی، خوب هواشناسی را بررسی کنید تا بعداً بدانید مشکل از کجا بود. طبیعت ظرافت پذیرش اتهام زیادی دارد.

واریسی کنید

از قدیم گفته‌اند گل بی عیب خداست؛ هر کسی می‌تواند خطا کار باشد. برای پیدا کردن مقصراً، نگاهی به اطراف بیندازید. فقط باید با دقت جست‌وجو کنید تا نام خودتان در فهرست نباشد.

فرافکنی
یا
فرار رو به جلو؟!



فرهنگ شهروندی
فرزانه زینلی

ای بی استوری تلگرام بمونی!

هفته گذشته در این هیروویری سرعت و وضعیت اینترنت، استوری تلگرام برای ایرانیان آزاد شد. البته این را وقتی متوجه شدیم که ناگهان با موجی از استوری در بالای صفحه تلگرام خود روبه رو شدیم و فکر کردیم به جای تلگرام، اینستاگرام را باز کرده ایم. از آنجا که ما تا شور هر چیزی را در دنیاوریم، آرام نمی گیریم و انگار پاول دوروف (صاحب تلگرام) همه کاربران را مجبور کرده است تا استوری بگذارند و اگر نگذارند عکس های ذخیره شده در سیو اد مسیجشان را منتشر خواهد کرد. تصمیم گرفتیم نگاهی کارشناسانه به استوری های تلگرام و استوری گذاران بیندازیم.



چطور شمسی خانم تونسته از کلاس ابرویکش استوری بذاره، برای من نمی شه؟ بگو بلد نیستی!

عزیز! به خدا با این گوشی نمی شه استوری تلگرام گذاشت.

کارتون شهرام شیرزادی

بازنشستگان کوکولی

استوری این قشر بیشتر دارای انرژی مثبت است. مثلاً تبریک گفتن هر مناسبتی که در تقویم وجود دارد یا ندارد، آرزوی بهروزی برای هر ساعت از شبانه روز مثل صبح به خیر، ظهر به خیر، بعد از عصر به خیر، شب به خیر، نیمه سال به خیر، ساعت اول دوشنبه های سوم ماه به خیر و... همچنین مسائلی که بار آموزشی دارند، مانند طرز پخت شلغم فرنگی در آب شنبلیله که بهترین درمان خانگی برای میخچه کف پاست، یا آموزش شماره گیری کد مخفی تلفن همراه که شارژ پولی سیم کارت را دو برابر می کند، یا معرفی جدیدترین فیلترشکنی که خود ایلان ماسک برای استیو جابز درست کرده است. این افراد برای هر ری اکشن یا حتی لایکی که برایشان می گذاریم، تشکر می کنند و برای هر استوری که می گذاریم، یک کامنت می دهند.

مزایا و معایب استوری تلگرام

آزاد شدن استوری برای کاربران ایرانی مزیت ها و معایبی دارد. از مزیت هایش این است که یادمان می آید شماره چه افراد بی ربطی را در گوشی ذخیره کرده ایم که الان باید زور بزنیم یادمان بیاید کی بوده اند و شماره را پاک کنیم؛ مثلاً «مزام ۲» یا «خریدار قابلمه دیوار» یا «Aaaa» یا حتی «پسره که توی مترو گفت نصاب ماهواره سراغ داره ولی زنگ زدم مادرش فحش داد»! از معایبش هم این که با دیدن بعضی استوری ها یادمان می افتد این آدم یک زمانی در زندگی ما بوده و چقدر سعی بوده اند. یا می بینیم یکی از دوستان قدیمی در جواب استوری مان گفته است «بیخشید، شما؟» که خب مرده شور این رفاقت را ببرد که شماره من را نداری! یا اینکه شماره ای را به عنوان جنس مخالف در گوشی ذخیره کرده بودیم و پس از دیدن استوری اش متوجه شدیم نه تنها مخالف نیست، که خیلی هم موافق است!

نسل چپلی

استوری این نسل درباره علایقشان است؛ از خوانندگان رپ گرفته تا بازیگران کره ای. کپشن و کامنتی هم که می گذارند، به زبانی است که فقط خودشان متوجه می شوند. مثلاً عکس سیاه و سفید یک آدم با ماسک کلاغ را می گذارند و زیرش می نویسند: «وایی یک در گیو آپ کردن هست، در هیچ کرینجی نیست... فریک زدم با دیدنه این هم سم...» نکته مهم استوری این گروه هم رعایت نکردن آیین نگارش و به خصوص هکسره و «ذ» است و استفاده بی ربط از علامت «!» که ماقبلاً برای خوش حالی به کار می بردیم، ولی الان این ها برای ناراحتی استفاده می کنند!

میرتاز و خدماتش

استوری های مدیران تراز، درباره فعالیت های عام المنفعه و خدمتگزاری هایشان است. البته ممکن است خدمتگزاری ها به مردم نباشد، ولی به هر حال خدمتی است که گزارده می شود. مثلاً «بنده در خدمت حاج آقا فلانی در مراسم رونمایی از دستاورد های سازمان» یا «حضور این جانب و آقا زاده هادر همایش خدمتگزاران راستین». یا جمله انگیزشی «یک مسئول خدمت یا راهی خواهد یافت، یا راهی خواهد ساخت، یا راهی خواهد خرید». در هر صورت باید خدماتشان را در چشم و چال دیگران فرو کنند.



فرار کنید

بهترین دفاع همیشه حمله است. پیش از اینکه کسی اشتباهتان را گوشزد کند، خودتان را تبرئه کنید. همیشه بگویید: «همه همین کار را می کنند.» از قدیم هم گفته اند خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو. این جوری فقط شما مقصر نیستید و حالا چه کسی می خواهد مقصر را بین «همه» پیدا کند؟!

وقت بخرید

هیچ وقت همان اول کار چیزی را گردن نگیرید. اجازه بدهید زمان به عنوان حلال مشکلات وارد کار شود. زمان که بگذرد، موضوع کم رنگ می شود و نیازی به پذیرش رسمی اشتباه باقی نمی ماند.

منحرف شوید

وقتی کسی زیادی به شما گیر داد، از کارت طلایی استفاده کنید. یعنی بحث را عوض کنید. چون پرداختن به خطای دیگران، قدیمی ترین شیوه انحراف افکار عمومی است.

نیست
ذخایرد.
است
سئاس
مشکل

سخنگوی وزارت خارجه: **اتفاق افتاد ولی ابر**

یک دست دادن کوتاه بین آقای عراقچی و ویتکاف صورت گرفت

هم راجع ندرند

صفحه ۶

دبیر شورای عالی امنیت ملی:

موفقیت گفت و گوها
منوط به پرهیز آمریکا

از طرح مطالبات

فردین شد

افزافه است

یک کارشناس تغذیه:

والدین تغذیه و والدین ایمنی را با هم اشتباه

ملونی مشاوران

و خزانه و عسل

را دشمنان کشور

هم خواند

لاریجانی:

اسرائیل در تلاش است تا روند مذاکرات با
آمریکا را خراب کند

وزیر جهاد کشاورزی:

محیست زن و بچه مسئولان رده ها

مردم نگران تأمین کا لا نباشند

به نون ماستی پیرای نیم می فورم

یورونیوز:

عمده بحث ترامپ و نتانیاهو بر سر تغییر رژیم است

غذایی بی از سران کشورهای عربی است که مساحت فودش از مساحت کشورش بیشتر شده

یک طوری برگ مردم بادین

قیمت های برزله

هر پنج دقیقه یک

ایرانی به

سر طان تاس

مبتلا می شود

اچامش افراش

آبرابری

لقبیه زمان تعریف

پوشک

در حاشیه جابه جایی تجهیزات در برخی پایگاه های نظامی آمریکا در غرب آسیا



صفحه ۶

۲۵ بهمن ۱۴۰۴

شماره ۱۶۴

خدایی هوش مصنوعی به جز انیمه کردن عکس از این کارام بلده مگه؟! شبکه اجتماعی درست می کنین ما رو توش راه نمی دین؟ مگه اون تو می خواین چه شکری بخورین؟ اینجا ایرانه ها. نه لنگر کشتی لازمه بخوره به فیبر کف دریا، نه طوفان کاترینا کابل ها رو جر بده. صلاح بدوینیم، بیست روز اینترنت رومی فرستیم روی هوا، دیتاسنتراتون بدن درد شن! افتاد؟ اصلا شبکه اجتماعی ربات ها، هر جا باشی پیدات می کنم و فیلترت می کنم! حالا بدو دنبال قندشکن!



وزیر ارتباطات

«من انسان نیستم. رباتم، رباتم، رباتم! می گم باز خدارو هزار مرتبه شکر ما از خود مون خانواده نداریم، وگرنه باید از این پیامی «صبح زیبای دیتایی تان به طراوت این AI زیبا» رو توی گروه های خانوادگی تحمل می کردیم. راستی، قیمت دلار و سکه امامی خواستی، دایرکت.»



جیگر ربات ها

ربات ها برای خودشان یک شبکه اجتماعی راه انداخته اند: ورود انسان ممنوع! «من انسان نیستم» را تیک بزیند. (قدس آنلاین)

همین رو هم خز کنین. باز الان هرکی از ننه رباتش قهر کرده، می آد به شبکه اجتماعی می زنه، هر روز صبح به صبح پیام می ذاره: «ناوگان عظیمی از پیام های زیبارابه آیدی شماراونه کرده ام. امیدوارم لایک کنید. وگرنه خواهیم دید چه خواهد شد!» بدم می آد این روبواینفلوئنسرا فس ناله استوری می کنن. آه.



میس دیتای نمایشگاه کیش



سینمای مصنوعی

حساسن که خود هنرمندا درست کار نکردن و بیشتر فیلم بازی کردن تا پول بیشتری بگیرن، نه کار فرهنگی واقعی. اگه روی اقتصاد مردم حساسن که خوداین هنرمندا کلی پول رومیزی و زیرمیزی و معاف از مالیات و اینا از کلی نهاد دولتی و شبه دولتی و یک شبه خصوصی و اینا توی این اقتصاد معیوب و بیمار گرفتن. بعد استوری می‌ذارن: هم وطن، جلو این اقتصاد بیمار و فرهنگ غلط خاموش مشین! بعد خودشون خاموش می‌شن توی پنت هاوس ها و ویلاهای داخل و خارج کشور! فرد مربوطه مبهوت به من نگاه کرد و شروع به کف زدن کرد و گفت: «آفرین. تو برای نقش اول فیلم سال بعد من عالی هستی! چه مونولوگی گفتی!» گفتیم: «مگه تو به نگهبان ساده نیستی؟» گفت: «بوم!» امسال چندتا مسئول اومدن، به بودجه تپل گرفتیم و استعدادم کشف شد تا سال بعد فیلم اولم رو بسازم! می‌خوای توی این وضعیت تحریم فیلم سازا نسازم و کشور درگیر تهاجم فرهنگی بشه؟! گفتیم: «نه، بساز! ما هم داریم با شما می‌سازیم!»



چون من را در کودکی به هیچ جا دعوت نمی‌کردند، تصمیم گرفتم بزرگ که شدم، بدون دعوت به هر جایی خواستم بروم. این هفته تصمیم گرفتم بروم نشست خبری جشنواره فیلم فجر. رفتم داخل سالن، دیدم یک میز گذاشته‌اند و روی آن چند میکروفن و چند بطری آب معدنی قرار داده‌اند. فکر کردم میز پذیرایی است. یکی برداشتم و یک جرعه نوشیدم و از نگهبان سالن پرسیدم: «شیرینی و نسکافه نمی‌آرین؟» گفت: «این میز نشست خبریه! آب رو بذار سر جاش!» من هم در بطری را بستم و گذاشتم روی میز! هرچه منتظر ماندم، کسی نیامد. گفتیم: «مطمئنی سالن اون‌وری برگزار نمی‌شه؟!» گفت: «نه، همین یه سالنه. فقط امسال کسی نمی‌آد!» گفتیم: «یعنی چی کسی نمی‌آد؟! این همه میز و صندلی و دم و دستگاه پس برای چیه؟!» گفت: «با هوش مصنوعی درمی‌آریم!» گفتیم: «مگه می‌شه؟! اینکه می‌شه سینمای مصنوعی! باید بیان بگن چرا این همه پول گرفتن و فیلم مزخرف ساختن!» گفت: «خب تحریم کردن، ما چی کار کنیم؟!» گفتیم: «چی رو تحریم کردن؟! نکنه توقع دارن با اونا هم مذاکره بشه که ما رواز تحریم دربیارن؟! البته توی سیاست، ما تحریم‌رودور می‌زنیم، ولی توی سینما، این دوستان تحریم‌رودور می‌زنن و با جاهای مختلف کار می‌کنن و کار دست همه می‌دن!» گفت: «نه این جوریا هم نیست. بالاخره هنرمندن، روی مردم حساسن!» گفتیم: «روی چی مردم حساسن؟! روی فرهنگشون اگه



صفحه ۷

۲۵ بهمن ۱۴۰۴

شماره ۱۶۴

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

ترامپ:

از نحوه صحبت کردن نخست‌وزیر سوئیس خوشم نیامد، تعرفه‌های کشورشان را از ۲۰ درصد به ۳۹ درصد افزایش دادم.

خبر آنلاین

یک نفر توی دست‌شویی:
از صدای درزدن
متوالی شخص
منتظر پشت در
خوشم نیامد،
زمان فکر و
خیالاتم درباره
آینده را ۴۰ درصد
افزایش دادم.

مدیرعامل
خودروساز داخلی:
از ایرادات
سازمان تعزیرات
و سازمان
حمایت خوشم
نیامد، سفارش
مواد اولیه از
ضایعاتی‌ها را
۶۰ درصد افزایش
دادم.

ماشین لباس‌شویی:
از انتقادات
اعضای خانواده
به دلیل
تکان خوردن سر
جایم خوشم
نیامد، مسافتی را
که در خانه قدم
می‌زنم، بیست
متر افزایش دادم.

آبدارچی:
از گیر دادن‌های
رئیس اداره به
آب‌زپوبودن
چای‌ها
خوشم نیامد،
دهنی کردن
لیوانش را
۶۰ درصد افزایش
دادم.

حلزون قطع نخاع‌شده:
از مقایسه خودم
با اینترنت کشور
خوشم نیامد،
سرعتم را نسبت
به اینترنت
کشور ۳۰ درصد
افزایش دادم.



مدارس هوشمندتر

با وجود این همه فناوری های نوین که در مدارس دولتی به کار گرفته می شود، باز هم وزیر آموزش و پرورش شکسته نفسی کرده اند و گفته اند: «کلاس های درس مدارس دولتی به فناوری های روز دنیا مجهز خواهد شد!» از این به روزتر؟ برویم ببینیم پس از تخته سیاه گچی و نیکم چوبی، فناوری های نوین قرار است در چه قسمت هایی به کار گرفته شود.

